

متن پرسش

سلام علیکم: استاد یه افراطی برام پیش اومده که براتون توضیح میدم تا راه برون رفتی برام بفرمایید؛ بنده از شدت غرق بودن در لغو و سرگرمی ها وقتی مواجه شدم با مباحث دینی خود را غرق در معنویات کردم، و عملاً باز هم غرق شدم. بقدری از دنیا بدی در ذهن برام شکل گرفت که دیگه نتوانستم ازش استفاده کنم و تعبیر امیر المومنین از دنیا که فرمود دنیا نردبان خاکیست برام به حاشیه رفت و تمام میل هایم سرکوب ماند و نتوانستم اون هارو برای حرکت خودم بکار بگیرم. تا جایی که هیچ لذتی در هیچ بعدی از طبیعیات برام معنا نداشت. غذا خوردنم، خوابیدنم، ارتباط دوستانه ام و ... کلاً بی لذت و حس حال خوب شد و تنها برای رفع و دفع نیاز بود. و اکنون شدم یک آدم بسیار گوشه گیر و از همه چیز زده شده که هیچ چیزی نمیتونه حرکتی درش بوجود بیاره و میل شدید به معنویات دارم اما پایی برای حرکت بسمتشون برام نمونده. از طرف دیگه هم میل های شدید به گناه برام شکل گرفته که مقابله باهاش برام بسیار سخته و زمانی که فکر می‌کنم می‌بینم این میل همان میل حلال بوده که الان سمت و سوی حرام گرفته. چکار کنم امیالم رو زنده کنم؟ چکار کنم بتونم به نیاز های زندگی طبیعییم پاسخ بدم؟ الان وقتی بخام جوابگو باشم نفسم پس میزنه و انزجار شدیدی دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این قاعده حضور در مسیر دینداری است مسیری که هرگز بدون شیطان نیست و اساساً شیطان قسم خورده است در راهی که به سوی خداوند است به عنوان صراط مستقیم به حکم آن که گفت: «لَا فَعْدَنَ لَهُمْ صِرَاطُكَ الْمُسْتَقِيمَ» و از این جهت آری! «در جهان جنگ این شادی بس است / که بر آری بر عدو هر دم شکست» به این معنا که همواره ما با انواع هوس ها و میل های گناه آلود روبرو می‌شویم و همواره به حکم تقوا و خودنگهداری و پاسداری از ایمانی که بدان دل بسته‌ایم، وسوسه های شیطان را خنثی می‌کنیم و البته و باز شیطان و باز تقوا برای شکست او. و این است معنای زیبایی زندگی. موفق باشید